

## استفتانات مانکجی پورلیمجی از آیت‌الله شیخ مرتضیٰ انصاری

### هادی هاشمیان

مانکجی پورلیمجی پورهوشنگ هاتریا در سال ۱۳۲۸ق / ۱۸۱۳م در «موراسومالی» یکی از بخش‌های بندر «سورات» به دنیا آمد. اجدادش از زرتشتیانی بودند که در زمان صفویه از ایران به هندوستان مهاجرت کرده بودند. وی پنج ساله بود که انگلیسی‌ها فعالیت‌های خود را از بندر سورات به بمبئی منتقل کردند؛ بنابراین زرتشتیانی که در مؤسسات اداری گمرگ مشغول به کار بودند و یا کارهای تجاری داشتند، در آنجا ساکن شدند.<sup>۱</sup>

مانکجی در جوانی وارد خدمات دولتی و نظامی شد و ظاهراً پیشکاری برخی از تجار را به عهده گرفت و به نقاط مختلف هند سفر کرد. منابع طرفدار وی معمولاً از ذکر روشن و شفاف مشاغل و مأموریت‌هایش طفره می‌روند، به ویژه شغل صندوقداری او در ارتش هند بریتانیا و مأموریت‌هایش در هند و افغانستان یا مطرح نمی‌شود و یا به شکلی مبهم از کنار آن می‌گذرند. همچنین نقشش به عنوان یک نیروی اطلاعاتی کتمان می‌شود. در ۱۵ سالگی (۱۲۴۴/۱۸۲۸) با عنوان وزیرمختار انگلیس روانه سند هندوستان شد. شغل و منصبش در این سفر تحویل‌داری نقدی پول دولت بود که به مصارف قشون می‌رسید. به عبارت روشنتر او صندوقدار قشون استعماری انگلیس در سند بود.

با پایان این مأموریت به بمبئی بازگشت و سه سال بعد با همان وزیرمختاری در ۱۲۵۰ق به کجوج افغانستان سفر کرد. در این سفر نیز شغلش صندوقداری ارتش بود. چهارسال در کجوج همراه سرجانکین،

۱. سایت انجمن موبدان.

فرمانده جنگی انگلیسی و سرهبری پاتینجر بود. در سال ۱۲۵۴ با قشون انگلیس به قصد تسخیر قابل حرکت و به همراه بخش مالی تدارکاتی آن در نگرته مستقر شد. در این مأموریت جنگی اطلاعاتی، مبلغ ۲۵۰ میلیون طلا و نقره مسکوک و غیرمسکوک در اختیار مانکجی بود. این مأموریت نیز سه سال طول کشید. این لشکرکشی به بهانه آمدن محمدشاه به هرات صورت گرفت ولی در اصل هدف انگلیسی‌ها تصرف سرزمین سند، اشغال افغانستان و مسلح نمودن ممالک آسیای مرکزی علیه دولت ایران بود.<sup>۱</sup>

مانکجی در سال ۱۲۳۳ خ در سن ۴۱ سالگی از بمبئی با کشتی بخار به سوی ایران رهسپار شد و در آن کشتی با میرزا حسین خان سپهسالار (مشیرالدوله - سفیر کبیر دولت ایران) که از مأموریت «سرکنسولگری بمبئی» به ایران بازمی‌گشت، آشنا شده و این آشنائی به دوستی تبدیل شد.

مانکجی در ۱۲۳۳ش در بندر بوشهر پیاده شد و از طریق شیراز به یزد رفت. پس از چهارده ماهی که در یزد بود، به کرمان رفت و از آنجا در ماهان با رحمت‌علی‌شاه (قطب درویش نعمت‌الهی) روابط دوستی عمیقی ایجاد کرد و از جانب وی به درویش فانی ملقب شد و این لقب را تا پایان عمر برای خود نگه داشت. سپس به تهران رفت و در مدت پنج سال و نیم بین درباریان به گونه‌ای برای خود احترام به وجود آورد که از سوی ناصرالدین‌شاه با لفظ «پدر» خوانده می‌شد. پس از اقامت در تهران، در آذربایجان با مظفرالدین میرزا ولیعهد و حکمران آذربایجان دیداری داشت. در کردستان میهمان غلام شاهجهان والی کردستان بود و سپس به کرمانشاه و عتبات عالیات (نجف اشرف) رفت و در عراق دیداری با آیت‌الله شیخ مرتضی انصاری کرد. مانکجی پس از یک‌سال ماندن در بغداد، به بمبئی رفت و گزارش کارها و اقدامات خود را به انجمن اکابر پارسیان داد. در سال ۱۲۴۳ش کتاب *اظهار سیاحت ایرانیان* که در واقع شرح مختصر اقامتش در ایران بود را به زبان‌های گجراتی و فارسی به چاپ رسانید.

در ۱۲۴۵ش به ایران بازگشت و در کرمان با حاجی سیدجواد، امام جمعه کرمان و حاجی محمدکریم‌خان کرمانی، رئیس شیخیه دیدار نمود و روابطی صمیمانه برقرار کرد.<sup>۲</sup>

## فعالیت‌های مانکجی در ایران

فعالیت‌های مانکجی در ایران، عمدتاً در محورهای زیر صورت گرفت: اشاعه باستان‌گرایی (ایران منهای اسلام) در فرهنگ ایرانی با همکاری میرزا فتحعلی آخوندزاده (و در واقع: بالگونیک فتحعلی آخوندوف) و جلال‌الدین میرزا قاجار و دیگران، حمایت و تقویت فرقه ضاله بهائیت، ارتباط و حمایت از فرقه‌های صوفیه و کمک به تأسیس سازمان فراماسونری در ایران.

از جمله اقدامات مانکجی در ایران اعمال نفوذ در حکومت قاجار به وسیله بذل و بخشش و اهدای هدایا و ارتباط با گروه‌ها و قشرهای مختلف مسلمان و غیرمسلمان بود. ایجاد تغییرات در بین زرتشتیان که در

۱. مناسبات مانکجی هاتریا با بهائیان، موسی حقانی.

۲. سایت انجمن موبدان.

راستای حذف تأثیرات فرهنگ بومی ایرانی- اسلامی از آداب و مراسمشان، و نیز کم کردن نفوذ موبدان و ایجاد تغییرات گسترده در جامعه زرتشتی بود را نیز می‌توان از جمله اقدامات او دانست.

بخشی از اقدامات مانکجی در بین زرتشتیان ایجاد تفرقه و دور کردن آنان از امتزاج فرهنگی با هموطنان مسلمان خود بود. در همین راستا او در یزد «انجمن زرتشتیان» را پی‌افکند تا اختلافات درونی جامعه زرتشتی به محاکم عرف و شرع (که این دومی زیر نظر فقهای پارسا و پرنفوذ شیعه اداره می‌شد) راه نیابد و اختلافات در انجمن مذکور توسط ریش سفیدان این طایفه رسیدگی شود. او در اصل سعی داشت جامعه زرتشتی را از بدنه جامعه ایرانی جدا ساخته و از امکانات آنان به عنوان یک اقلیت در پروژه باستان‌گرایی (ایران بی اسلام) استفاده نماید. وی در انجام این مأموریت از هم‌فکری اسلام‌ستیزانی نظیر فتحعلی‌آخوندوف (سرهنگ قشون تزاری و دستیار نایب‌السلطنه روس تزاری در قفقاز اشغالی) بهره می‌برد.

مانکجی از هم‌رازان میرزافتحعلی‌آخوندوف بود و آخوندوف او را یادگار نیاکان می‌نامید. تلاش این گروه برای احیای باستان‌گرایی در برابر اسلام‌گرایی ملت ایران بود. میرزاآقاخان کرمانی ازلی نیز ضمن نقد اقدامات مانکجی در ترویج پارسی سره‌نویسی که کسی از آن سر در نمی‌آورد، می‌نویسد: خوب بود مانکجی پارسی که به ایران آمده بود (زمان ناصرالدین‌شاه) در تاریخ اصیل ایران تحقیق می‌نمود و «حکم عقلیه» آن را آشکار می‌ساخت.

تأسیس مدارس زرتشتی برای آموزش نونهالان و کودکان دیگر او بود. گماردن معلمان بهایی برای آموزش فرزندان زرتشتی و بهایی شدن تعدادی از این دانش‌آموزان نشان می‌دهد مانکجی خیلی هم به فکر زرتشتیان نبود. اقدامات مانکجی در جامعه زرتشتی مخالفت‌هایی را ایجاد کرد و برخی بزرگان زرتشتی اقداماتی را علیه او سازماندهی کردند. از جمله این که، مخالفین دست به نامه‌نگاری علیه او زدند و کار به جایی رسید که انجمن اکابر پارسیان مدرسه یزد را موقوف کرد و پولی جهت مخارج آنان نفرستاد.<sup>۱</sup>

نفوذ بهائیان در میان طیف خاصی از زرتشتیان منجر به شبه کودتایی علیه دستوران و موبدان زرتشتی شد. بعدها در انجمن ناصری که به منظور به حاشیه راندن موبدان زرتشتی تأسیس شد، از بیست و سه نفری که اول بار به عضویت انجمن انتخاب شدند اکثریت یا بهائی بوده و یا علاقه زیادی به آئین بهائی داشتند. عبدالباها نیز لوحی ارسال نموده و تأسیس انجمن را به جامعه زرتشتی تهنیت گفت.<sup>۲</sup>

مانکجی، در همه‌جا با افراد مختلف ارتباط برقرار می‌کرد و از این طریق سعی داشت سکه و کتب خطی و کمیاب را خریداری و از ایران خارج نماید. وی پس از مدتی اقامت به سفر پرداخت و از طریق آذربایجان، کردستان و کرمانشاه به عتبات عالیات رفت. در عراق عرب با بییان و بهائیان ارتباط برقرار کرد و با میرزااحسین علی‌بهاء مکاتبه داشت.<sup>۳</sup>

۱. مناسبات مانکجی، موسی حقانی.

۲. همان.

۳. همان..

او دو بار ازدواج کرد، یکبار در هندوستان با «هیرابایی» نام و ثمره این ازدواج پسری به نام «هرمزدجی» و دختری به نام «دوسی بایی» بود. پس از مرگ همسرش، در ایران با فرنگیس نام - دختر هرمزدیار بندار کرمانی - ازدواج کرد، ولی از این ازدواج فرزندی نداشت. ( مرگ وی در سال ۱۲۶۹ش در تهران اتفاق افتاد.

مانکجی، در اقامت خود در عراق ضمن ملاقات با فقیه پرآوازه شیعه آیت‌الله شیخ مرتضی انصاری، با زیرکی و موذیانہ، ضمن متهم کردن مسلمانان به آزار و اذیت زرتشتیان سؤالات شرعی از ایشان می‌کند که مرحوم شیخ انصاری با درایت خاص به آنها جواب می‌دهد. نظر به اهمیت این سؤالات، جهت استفاده محققان، در مجله وزین پیام بهارستان آورده می‌شود.



السلام مقبول نیست  
 اما دعویٰ بی حاکم نیست  
 نیست خصوصاً بعد از عقد  
 نکاح و  
 محل محرمات جناب  
 مستطاب شیخ المشایخ  
 شیخ مرتضیٰ انصاری

خدمت جناب مستطاب حقان و معارف اشساب فخر المجددین و ملائکة المسیح الاسلام  
 سرکار شیریعمدار شیخ المشایخ تفضلت العالی عرض شد عانینما یدیکه در ممالک محروسه ایران  
 مکرر فرمیده و بنجیده شده است که گاهی حکام عرف و وقتی حکام شرع یا بزرگان  
 و ظالمان ولایت خود را بر وجهی که از مطیع الاسلام میان می‌پسند بانواع و اقسام  
 حیل و بجهانه او را فریب داده بدست آوردند بزمیت خود بنگاه می‌دارند و در حرا  
 می‌بریزند چو وجهی من الوجوه راضی بنده در دادن و اسلام قبول کردن نیستند مجبوراً آنها را  
 زوجه خود قبول کرده در دین و آئین خویش برقرار بودن روا می‌دارند این نوع  
 دشمنان مطیع الاسلام می‌انرا که جزئیة مقسیرا بکلی بروفق شرع آورداده و جمیع شرطا  
 ذمه را بعل آورده و در خدمت گذاری و اطاعت اولیای دولت قوی شوکت علیته  
 و امنای شریعت مطهره بیچوجهی من الوجوه سرچینی نداشته و نذارند بیکله و فریب  
 کردن و نکاح داشتن جایز است یا نه مرحمت فرموده حکم الله را مرقوم بفرمایند باقی

از تیت اهل ذمہ و اخصا  
 آنجا حرام است غیر از  
 وجود غیره در شریعت  
 منظره مثل جرم و محس  
 انصاری  
 محل مرئوسانک جناب  
 مستطاب شیخ المشائخ  
 کار شیخ مرتضی انصاری  
 عالی

خدمت جناب مستطاب حقایق و معارف اشاب فخر المجتهدین و ملازمین تاج الاسلام  
 سرکار شریف عتیم در شرح المشائخ مد ظله العالی عرض واستدعا نماید که در ممالک محرومه  
 ایران بجای اهل ذمہ را از تهر کار و کاسبی منع نموده نمیکند که بنگارند که بنگاری و خیاطی و جو  
 لانی و خشت مالی و چار و اوری و والا نذاری کنند یا اینکه از باغات و زراعت  
 خود میوه و سبزیجات آورده و بپردازند در بازار بمصرف فروش برسانند مانع که میشوند  
 بلکه گاهی اذیت و آزار هم میرسانند این طور سوء سلوک و بد رفتاری  
 در باره مطیع الاسلامیان اهل ذمہ که همیشه اوقات جزیه مقربا داده  
 و بکلی شرایط ذمہ را بر وفق شرع انور بعین آورده اند و در خدمت گذاری و  
 اطاعت او ایامی دولت جاوید آیت علیہ و امنای شریعت منظره هیچ وقت  
 هیچ وجه من الوجوه سرپیچی نداشته و ندارند جایز است یا نه مرحمت فرمود  
 حکم خدا و رسول را مرقوم بفرمایند زیاده جسارت نمیشود باقی امر مکرم مطاع

خدمت بندگان جناب مستطاب حقایق و معارف ثناب فخر المجتهدین و ملائک حجج الامم  
شریفه در شیخ المشایخ مد ظله العالی عرض واستدعایمانید که در محالک محروسه ایران فیما بین کیا  
از مسلمین با کلی از مطیع الاسلامیان اهل ذمه که همیشه اوقات جزیه میقرر کرده و همگی شرایط ذمه را  
موافق شرع نوبعل آورده و هیچ وجه من الوجوه در خدمت کداری دولت ابد مدت علیه و  
اطاعت شریعت مطهره سرپیچی نداشته و نذارند نزاعی اتفاق افتاده خدمت پاره از صا  
جبان قوار و نداد و لا بدون رسیدگی و تحقیق حق یا ناحق صاحب قوا طرفداری از شخص  
مسلم نیاید هر چند بدبختی او و پچا و ناحق چشم با مقبول و قول شخص مطیع الاسلام هر قدر  
صحت داشته باشد نامقبول است بهمین چنین شهادت شخص  
نامعروف کاذب مسلماً نرا صدق دانسته شهادت شخص  
مبقر است کوی مطیع الاسلام را کذب می شمارند این طور  
رقا ز و سوء سلوک مسلمانان با مطیع الاسلامیان اهل  
ذمه موافق شریعت مطهره جایز است یا نه مستدعی  
انکه مرحمت فرموده حکم الهی را هر قوم فرمایند زیاده عرضی ندارد

بسم الله الرحمن الرحیم  
الحمد لله رب العالمین  
والصلاة والسلام  
على سيدنا محمد وآله  
الطاهرين

خدمت جناب مستطاب حقایق و معارف اثنا عشری فخر المجددین و ملائمتی حج تسلیماً  
سرکار شریف محمد رشیخ المشایخ مدظلّه العالی عرض و استدعای نماید که در محاکمات محرمه ایران  
از مطیع الاسلامیان هر کسی وفات نماید یکی از جدید الاسلامیان بواسطه قربت  
و خویشی با آن متوفی جمیع اموال و افعال و متروکات و مخلفات آنرا متصرف میشوند باین  
که مرد یا زن از خارجین هر وقت و بهر بهانه که سابق بر این بدین اسلام گرویده باشند  
خود آنها یا اولاد یا اولاد او یا اولاد آنها که ادعای خویشی یا نسبت با متوفی ذمی داشته باشند  
خود را متصرفی ارث و میراث و نسبت در مقام تصرف جمیع مایملک متوفی مزبور برمی آید و بعضی  
از علما و مسلمانهای نیر و دیگران هم تقویت نموده ثواب میدهند و حال اینکه متوفی ذمی مزبور  
قرض پدر و مادر و حق الناس در کردن او هست و عیال و اولاد او و اولاد او و پدر و مادر  
و پدر پدر و مادر و برادر و برادرزاده و خواهر و خواهرزاده و سایر متخلفین میراث سهم  
باشد که همگی آنها را بی نظیره را بعل آورده مطیع الاسلام و مسلمین بوده و هستند و در حد  
کداری و اطاعت انسانی دولت و شریعت نیز بهیچ وجه سرپیچی نداشته و ندارند در این  
صورت همگی آنرا از آن را مایوس نموده آن جدید الاسلام را که ادعای نسبت مینمایند مقدم  
حکم تصرف کل متروکات و مخلفات و مایملک را بامید دهند و گاهی از متروکات قسمت نمودن مینمایند و گاهی  
چیزی داده راضی نمودن امر مینمایند در این فقره مستدعی است حکم اله را مرقوم فرمایند

پیام بهارستان / ۲۵، س. ۲، ش. ۷ / بهار ۱۳۸۹



کبریا شکریم از تبت ایل زمره فاضل  
 مال بنا غیر از وجهی که در  
 شریعت مشمول زیر عیسای ارضی کریم  
 کسی را میسر کرد بر تو را حکم  
 حاکم شریعتی غایب اطاعت  
 حاکم شریعت بر همه الامم است  
 محل مهربانک جناب  
 مستطاب شیخ شایسته  
 جناب شیخ مرتضی مطهری

خدمت بندگان جناب مستطاب حقایق و معارف اشخاص فخر المجددین و ملازمین محمد اسلام  
 سرکار شریعتدار شیخ المشایخ مدظلّه العالی عرض و استمداد عیناً بید که در ممالک محروسه ایران برکاه  
 شخص مسلمانی مامطیع الاسلامی سببه ممتنی خدمت صاحبان فتوا بمرافعه میروند شخص مدعی مسلم  
 حتماً روبروی مختصراً مجلس در حکمه شریعتی انور سخنهای اشائسته بردین و مذہب و پیغمبر مطیع اسلام  
 هر قدر بگوید و اذیت نماید نموده با الله اگر مطیع الاسلام سخن حساسی خود را قدری با او از بلند  
 نماید و از او منع فرموده و فوراً نیز مورد ملامت و پشتمه میشود بلکه زیاده از حد اذیت و آزار  
 هم میرسانند این طور سوء سلوک و رفتار و اذیت و آزار در باره مطیع الاسلام  
 میان که همیشه اوقات جزئیه مقصیر او داده و شرایط ذمه را بهیچیک بر وفق شریعت  
 انور بعل آورده و بهیچوجه من الوجوه از خدمت گذاری و اطاعت اولیای دولت  
 قوی شوکت قاهره و امنمای شریعت مظهره سرسچی نداشته و ندارد  
 جایز است یا نه مرحمت فرموده حکم الله مرقوم فرماید با تو امر کم مطاع

پیام بهارستان / ۲۵، س. ۲، ش. ۷ / بهار ۱۳۸۹

دیدم زیاد از دست بوی  
 از شرع و طهارت و نماز و روزه  
 و حج و عمره و زکات و صدقه  
 و غیره که از دست بوی  
 و از شرع و طهارت و نماز و روزه  
 و حج و عمره و زکات و صدقه  
 و غیره که از دست بوی  
 و از شرع و طهارت و نماز و روزه  
 و حج و عمره و زکات و صدقه  
 و غیره که از دست بوی

خدمت جناب مستطاب حقایق و معارف اشساب فخر المجدین و ملاذ المسیحین  
 لا سلام سرکار شریفیدار شیخ المشایخ مدظلّه العالی عرض واستد عانیما یدکه  
 در ممالک محروسه ایران کسانی از مسلمین بدون حقایقت بلکه از راه غرض و  
 نفسانیت یا قطع الطریق و عداوت کلی از مطیع الاسلامیان اهل ذمه بر قتل  
 میرسانند بعد از مشقت و زحمت کلی بر شرع انور بشناهد و پینه و علامات ثابت  
 نموده قاتل را میقتل و حاضرینما ینذوقت صاحبان قوا میوه دهند که شخص ذمی مطیع  
 لا سلام که از دست مسلمان بقتل برسد دید آن زیاد از هشت تومان جایز نخواهد بود  
 این طور رفتار و این مبلغ دید در بار چنین قتلین در شریعت مطهره جاریست که در این  
 صاحبان قوا در باره مطیع الاسلامیان اهل ذمه که همیشه اوقات جزیه مقدر را در  
 و همگی شرایط ذمه را بعمل آورده و در هر بابی چه من الوجوه در خدمت گذاری و اطاعت  
 دین و دولت اسلام سرسچی نداشته و اندر بجز امیدزیا نوع دیگر حکم جاریست حکم الله امرتکم ما

پیام بهارستان / ۲۵، س. ۲، ش. ۷ / بهار ۱۳۸۹

بوالعالم  
 فروختن دومی تا اطل و حرا  
 ام است  
 محل مہربانک جناب  
 مستطاب شیخ المصباح  
 سکا شیخ مرتضی سلمہ  
 اللہ تعالیٰ

خدمت جناب مستطاب حقایق و معارف اثنساب فخر المجتهدین و ملاد المسلمین  
 حجة الاسلام سرمد شیر قعد رشیح المشایخ مدظلہ العالی عرض و استدعا می نماید که  
 در ممالک محروسه ایران گمراه واقع شده است که بعضی از مسلمانان سلطان ایل ذمی را بد  
 زدی یا بیبانه طلب در خانه خود برده نگاهداری نموده و بطور مملوکی آنها را میفروشند  
 و خریداران مسلمانم دیده و دسته و از مراتب اکامی بهر ساینده بعلا می خوانند و ان طفلان را  
 اتبباع می نمایند و صاحبان مؤثرترین اشخاص را منع نموده بلکه تقویت منفعت  
 این نوع اطفال بندگان خدا را که در زیر حمایت و مطیع الاسلام بوده و هستند  
 و همیشه اوقات نیز جزیره مقبره بر ا داده و بکلی شرط ذمه را بروش قاعده  
 بعزل آورده و در هر باب هیچ وجه من الوجوه از خدمت گذازی و اطاعت اولیای  
 دولت قوی شوکت قاهره و امنای شریعت مظهره سرچی نداشته و نذارند خرید  
 و فروختن جایز است یا نه مرحمت فرموده حکم الله را مرقوم فرمایند زیاد چهار

اسلام کجی و اگر آه  
حاصل نمید  
حق مبرک جناب  
مستطاب شیخ المشایخ  
سکر شیخ مرتضی سلمه  
الله تعالی

خدمت بندگان جناب مستطاب حقایق و معارف اشخاص فخر المجدین و ملاذین  
حجّه الاسلام سکر شیخ محمد رشید شیخ المشایخ مدظلّه العالی عرض و استدعا نمائید که در ممالک محروسه ایران  
مکر اتفاق افتاده است که پسر و دستر مطیع الاسلام مبارکی از مسلمانان با انواع و اقسام جنله و تزویر  
فریب داده و بجهت جلب منفعت خود و برابر اسب و استروالغ سوار کرده در کوچه و بازار مجله  
میسگردانند و بهانه جدید الاسلامی مبلغی از مسلمانان گرفته اوراد دین و آئین خود  
می آورند آنوقت پدر و مادر خویش و تبارانظلمان بجهت تعصب مذہب و ملاحظه ارث  
و میراث فرار اختیار کرده بمالک خارجه میروند و آنظلمانرا دو مرتبه در دین و آئین  
خویش می آورند که جز بدنامی بجهت دولت و ولایت اسلام چیزی دیگر حاصل نخواهد  
بود این طور بنظم و تتم یا فریب و بهانه کسی را از خارجین مذہب بدین اسلام آ  
وردن موافق شریعت مطهره حضرت ختمی مآب صلی الله علیه و آله و سلم جا  
یراست یانه مرحمت فرموده در این خصوص حکم الله را مرقوم فرمائید زیاد و جبار

پیام بهارستان / ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷ / بهار ۱۳۸۹

اذیت بابل زمره و انصاری  
 اینها غیر از وجهی هستند  
 در شریعت مطهره مثل جری  
 و خمس از رضی حرام است  
 محل مهر مبارک جناب  
 مستطاب شیخ الشایخ  
 سرکار شیخ مرتضی سلمه  
 الله تعالی

خدمت جناب مستطاب حقایق و معارف اشباب فخر المجتهدین و ملاذ المسکین  
 نجه الاسلام سرکار شریعتدار شیخ الشایخ مدظلّه العالی عرض واستمد عانیما ید که  
 واضح و ثابت است در ممالک محرومه ایران مطیع الاسلامیان جزیه مقریرا با ستر  
 ذمی بهکی داده و سجا آورده و در هر باب به سبب وجه من الوجوه از خدمت گذاری و  
 اطاعت اولیای دولت قوی شوکت علیّه قاهره و امنای شریعت مطهره سرپیچی ندا  
 شته و ندارند در این صورت چنان مسافرت و تجارت که بعضی از مطیع الاسلامیان  
 از شهری شهری میروند که شته از کمرک و باج و راهداری معمولی گذر بانان و  
 راهداران در شهر و بلدی آنها را بر سر راه معطل داشته بمثل که سفند سر شمار کرده مجبوراً  
 از هر آدمی مبلغی میگیرند که این بدعت هرگز به سبب وجه دباره مسلمانان جاری نبو  
 ده و نیست آیا حکم شریعت و قانون ملت این است که در ایران باج اداهم که  
 شده باشند مرحمت فرموده در این خصوص حکم الله را مرقوم بفرمائید و السلام

اذیت باطنی بدو  
 شمری چراگم است چنانچه  
 در حدیث نبوی مباهله  
 در حدیث آن شه  
 محل مبرهاک بنایب  
 شیخ المصطفیٰ سکا شیخ  
 مرتضیٰ سکا آله و تقا

خدمت جناب مستطاب حقایق و معارف اشباب فخر المحدثین و ملایمین حجه الامم کبری  
 شریعت‌الشیخ المشایخ مد ظله العالی عرض کنیم عاینما یدیکه در ممالک و سوره ایران خصوصاً در شیراز  
 و کرمان یکی از مطیع الاسلامیان که بمواقف شایسته و استعداد با مقتضای وقت  
 و مصلحت در یک لباس متعارف از پارچه سفید یا غیره برآید و رخت نومی  
 بپوشد یا بجهت جاثی رفقن یا از شدت ضعف و ناتوانی سوار بر اسب و ستر  
 والاغ بشود آنکا هسلمانان او را با سنک و کلوخ یا بدست و چوب اذیت و آزار  
 رسانیده فوراً لباس را تغییر و از سواری پیاده گردن امر نمایند و بررکان دین  
 و دولت اسلام نیز هیچکس پس چون الوجوه چنین اشخاص را منع کنی نمایند تقویت  
 هم میفرمایند در مملکت اسلام مطیعین اسلام را که جزیه مقرر داده و شرایط ذمی را بکلی  
 بجا آورده و همیشه از اطاعت دولت علیّه و تشریعت مطهره سرسختی ننمایند این نوع  
 ذلیل و خوار کردن در شریعت مطهره جایز است باینه از راه مرحمت حکم الهی را مقوم نمایند

پیام بهارستان / ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰

ربی که ز می از سرگشته  
 بجز خشم آن بختبر سادات  
 لازم بشود  
 محل مهر مبارک جناب  
 مستطاب شیخ الشایخ  
 سکا رشتی مراد علی سلمه  
 الله و تعالی

خدمت جناب مستطاب حقایق و معارف اشباب فخر الجهدین و ملازمین  
 حجة الاسلام سهرکار ثیرتقدار شیخ الشایخ مدظله العالی عرض و استدعای نماید که در ممالک  
 محروسه ایران متداول و مقرری شده است که هر وقت بهر کس از مطیع الاسلام  
 که عمارت و زمین و باغ و قریه و مزرعه و هر طلی را که ابتیاع نمایند در هر دو قعده  
 بباله قیمت آن ملک هر چه بشود و علمای آن جا خاصه علمای شهر یزد و کرمان ضمن گیرند  
 و چنانچه ملکی بخرند دست بدست بشود بطور خرید و فروش قیمت آن بکلی از دست  
 مطیع الاسلامان بیرون رفته و در کسبه آقایان جاگرمیشود آیا چنین جتی از املاک  
 مطیعین اسلام که بخریم مقدر بر آید و بهکلی شرط ذمه را بر وفق شرع انور بجا آورده  
 و بهیچوجه در خدمت گذاری و اطاعت و ایامی دولت تو بشوکت قابره  
 و امنای شریعت مظهره سرچی نداشته و ندارند بجهت آقایان یزد و کرمان غیوه  
 در قرآن مجید مقرر شده است هرگاه چنین نباشد حکم الله را مرقوم فرمایند

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
 رَحْمَةُ اللّٰهِ مُتَعَدِدَةٌ ذَكَرْتُهَا  
 كَمَا ذُكِرَتْ اَعْلَى ذَمِّهِ بِدَوَابِّهَا  
 شَرِيحِي حَرَامٌ اَسْت  
 محل معصیبات جناب شیخ  
 شیخ شاکر شیخ  
 مرتضی تبرک‌آلوده تعالی

خدمت جناب مستطاب حقایق و معارف اشساب فخر المحتدین و ملاذ المسلمین حجة  
 الاسلام شکر کار شریعتدار شیخ المشایخ مد ظله العالی عرض و استمد عانیما یدیکه در ممالک  
 محروسه ایران مکر مشامده نموده است که از مسلمانان پشروی تحاشانه داخل در عباد  
 سخاها و زیارتگاهها و محل دفن اموات مطیع الاسلامیان پیشوند و هر نوع بی  
 حرامی و بدسلوکی در آن مکانها نموده اهل آنجا نار نیز اذیت و آزار میرسانند  
 و بزرگان آن ممالک نیز بیچوجه من الوجوه چنین اشخاص را منع نموده بلکه تا  
 توانند تقویت میفرمایند آیا این گونه سوء رفتار و اذیت و آزار در باره  
 مطیعین اسلام که همیشه اوقات جزیمه سر را داده و شرایط ذمه را همگی عمل آورده  
 و در هر باب بیچوجه من الوجوه در خدمت کداری و اطاعت اولیای دولت  
 قوی شوکت قاهره و امنای شریعت مظهره سرچی نداشته و ندارند  
 جایز است یا نه مرحمت فرموده حکم الله مرقوم بفرمایند زیاده جبار است

پیام بهارستان / ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷ / بهار ۱۳۸۹



اذیت بابل زینب و اخلاص  
 انبیا خیر از جوهر مستطاب  
 در شیرینت مطهره مشرب  
 و محسن الرضی حرز امیرت  
 محکم مبارک جناب مستطاب  
 شیخ المشایخ مبارک  
 شیخ مرتضی سلمه الله تعالی

خدمت جناب مستطاب حقایق و معارف اشباب فخر المجتهدین و ملاذ المنسلبین حجة  
 الاسلام سرکار شیخ المشایخ مد ظله العالی عرض واستدعای نماید که در ممالک محروسه  
 ایران مکرر دیده شده است که از مسلمانان بی وقت و بی خبر و بی حفاظ داخل  
 در خانه مطیع الاسلامیان گردیده بر اهل و عیال آنها هر نوع تعدی و چسبانی نمود  
 مضایقه نمی نمایند این طور بدون اذن و اطلاع بخانه کسی رفتن و عیال ا  
 ورا چخاظ دیدن و اذیت و آزار رسانیدن شعار دین اسلام است  
 که در ممالک ایران خاصه در ولایات یزد و کرمان در باره مطیع الاسلامیان  
 اهل ذمه که همیشه اوقات جزیه مقدر بر ابرو و فی شرع انور داده و هکلی بشر ایط  
 ذمه را بعمل آورده و در هر باب بیچوجه من الوجوه در خدمت گذاری  
 و اطاعت اولیای دولت جاوید آیت قاهره و امنای شیرینت  
 مطهره سرچی نداشته و ندارند معمول میدارند آنچه حکم الله است مرقوم فرمایند

بسم الله الرحمن الرحیم

عالم کرام شیخ مرتضی

عزیز است  
والسلام

حقیر بنام مبارک جناب

مستطاب شیخ المشایخ  
سید مرتضی مرتضی سلمه  
و تامل

خدمت جناب مستطاب حقایق و معارف اشساب فخر المتمدین و ملاذ المسکین حجة الاسلام  
 سرکار شریف نعمت الدین شیخ مد ظله العالی عرض است عاینما یدیکه در ممالک محروسه ایران بهرگاه  
 یکی از مسکین بدیون شخصی از مطیع الاسلامیان شده خود را مفلس و نزار قلمه بد و  
 خدمت صاحبان ثنوا بر افعه روند بدون رسیدگی و تحقیق صاحب فتوای عاچی حای  
 شخص مسلم را زیر پرده و دست مطیع الاسلام را که همیشه اوقات جزیه مقبر بر او داده  
 و همگی شرایط ذمه را برو فوق شرع انور جعل آورده و هیچ وجه من الوجوه در خدمت گذاری  
 و اطاعت اولیای دولت قوی شوکت علیه و امنای شریعت مظهره سر سبزی نداشته  
 و نزارند بکلی از استرداد طلب خود که تا هینما یندی العیب اذ و باله اگر یکی از مطیعین  
 اسلام بدیون مسلمی فی تحقیقه پی چسبند و نزار هم باشد انگاه مجبوراً بدون مہملت با  
 انواع و اقسام زجر و سیاست از کسان و خویش و تبار یا از همسایگان آن شخواه را  
 لوصول بنمایند این طور رفتار در باره مطیع الاسلامیان اهل ذمه در شریعت مظهره است یا حکم الله را

پیام بهارستان / ۲۵، س. ۲، ش. ۷ / بهار ۱۳۸۹